



خطر مرگ

جان همه زندانیان سیاسی را تهدید میکند!

ارتجاع ایران و در رأس آن محمد رضاشاه کمر قتل همه زندانیان سیاسی را بسته است. این تصمیم جنایتکارانه شاه از زبان نوکران قلدر ستاره بدوشش، مانند "دادستان کل ارتش" اینچنین است: "آن دسته از زندانیانی که جوان هستند و قدرتی دارند باید آنقدر در زندان بمانند تا پیر و علیل و فرسوده شوند و سپس از زندان خارج گردند. دسته دیگری که نسبتاً پیر و سالاخورده هستند آنقدر بمانند تا جنازه انسان از زندان خارج شود!"

این شیوه فاشیستی نابود کردن فرزندان مبارز خلق های میهن ما که هر انسان دوست و آزاد یخواه را بیاد "بازداشتگاه های مرگ" هیتلری و "قفس های بیر" وان تیو می اندازد، هشتتاری است برای تشدید فعالیت و پیکار بمنظور قطع دست خون آلود و ناجوانمرد رژیم شاه.

فقط در چند ماه اخیر تعداد شهدای جنبش از دهها تن افزون تر شده است. نه زندانی مبارز گروه جزئی را باصطلاح "در حال فرار" از پای در آوردند، خسرو ترگل و حسین سلاخی را به "حکم" سلاح خانۀ های نظامی تیرباران کردند. معدۀ دیگری از زندانیان سیاسی دیگر را در زندانهای مختلف تحت انواع شکنجه های روحی و جسمی قرار داده اند. تا یا به تسلیم وادارشان سازند و یا با مرگ زودرس جایشان را در زندان برای زندانیان جدید خالی کنند.

گروه های دیگر زندانی، مانند گروه پاکژاد رابه "کمپته" برده اند و مدت هاست که از آنها هیچ گونه خبری در دست نیست. خانواده آنها هر روز پشت در شکنجه گاه ساواک، "کمپته" جمع میشوند و بدون دریافت هیچگونه خبری با دست خالی به خانه هایشان باز میگردند.

دیگر مدت هاست که باصطلاح "احکام" سلاح خانۀ های نظامی هم رعایت نمی گردد.

دهها و دهها زندانی سیاسی از گروه های مختلف در زندانهای شاه تباه میشوند و با وجود آنکه سالهاست که از پایان " محکومیتشان " گذشته است .
 صفر قهرمانی ۲۹ سال و رفقاییش مانند عباس حجری ، تقی کی منش ، علی عموثی و دیگران بیش از ۲۰ سال است که در زندان اند . صابر محمدزاده ، اصف رزم دیده و همچنین زر قانی ، شریفی ، پاکزاد و دهها زندانی سیاسی دیگر با عقاید و نظرات سیاسی مختلف از این زندان به آن زندان کشانده میشوند و جوانی شان بر باد میرود .
 کشتار مخالفین رژیم بصورت شبیخون ، از جمله بصورت امریکائی با هلیکوپتر به خانه هایشان و قتل آنان قطع نمیکردند .

همه و همه این جنایات مانند باری عظیم پرروی وجدان نیروهای ضداپارتهالیستی و ضد دیکتاتوری میهن ما سنگینی میکند و آنها را موظف میدارد با تمام نیرو افکار عمومی جهان را از خطر جدی ای که جان زندانیان سیاسی را تهدید میکند باخبر سازند و دست خونین جلاد را کوتاه کنند .

در صفت واحد ، دست در دست هم برای نبرد با رژیم
 ارتجاعی و دیکتاتوری شاه بسپا خیزیم !

به آنها که هنوز زنده اند

او که از زندگی وحشت دارد
 ما ، زندگی پرستان را
 به غدر کشت
 و برای ترس های آینده
 که دجدم بر او خواهد تاخت
 چهل هزار نفر را
 در سلاح خانه ها
 به زیر سایه کرکس نشانده است
 ~~~~~  
 شمائی که خود را آزاد می انگارید !  
 حساب آنها از شما جدا نیست .  
 آنها هر آن و براهتی  
 با هر چهل هزار نفر دیگر  
 از سی میلیون نفوس  
 قابل معاوضه اند .  
 اینکه شما دریند نیستید  
 — اینکه شما هنوز دریند نیستید —  
 يك تسلی لرزان است  
 و يك تصادف محض .  
 و اینکه سرگذشت آنها  
 — اگر نجنبید —  
 سرنوشت شماست  
 یقین محض .  
 ~~~~~


برای سرنگونی رژیم شاه متحد شویم

سخنسی با دوستان

رژیم ضد ملی و دیکتاتوری شاه خائن و ترور فاشیستی او علیه مبارزان خلق همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری میهن ما از جمله به جوانان و روشنفکران میهن پرست شرایط مبارزاتی دشواری را تحمیل کرده است.

در ایران سازماندهی مبارزه برای سرنگونی رژیم ضد ملی و ضد دیکتاتور شاه اجباراً با رعایت اکید اصول پنهانکاری و تلفیق دقیق کار مخفی و علنی ممکن است. مبارزات توده ای و سازمان داده شده اخیر مردم و دانشجویان در شهرهای مختلف موفقیت‌های چشمگیری را نیز نصیب این شیوه علمی و انقلابی مبارزه کرده است.

اگر چه مبارزات افشاگرانه جوانان و دانشجویان ایرانی علیه رژیم خائن شاه در خارج از کشور در محیط بظاهر "دمکراتیکی" جریان دارد ولی کوه نظری سیاسی و خود کسی سازمانی است. اگر تصور شود که در پیکار در خارج از کشور مبارزین از گزند سازمان امنیت شاه در امان اند و بر اساس اوک با پلیس‌های اینکشورها هم‌دستی دارد و عمالش سایه وارد پی افراد مبارزه جو می‌باشند. مبارزان شناخته شده یا فعلاً امکان بازگشت به ایران را ندارند و یاد صورت بازگشت عاطل خواهند ماند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به‌مثابه یک سازمان سیاسی در جنبش جنبش مرفی میهن ما به‌ر پایه تحلیل روشن و دقیق و انقلابی فوق امر پیکار علنی را در خارج از کشور برعهده آن هم‌زمانی میگذارد که دیگر بر اساس اوک شناخته شده اند و تا سرنگونی رژیم امکان عملی بازگشت را ندارند.

این هم‌زمانی "علنی کار" در فعالیت افشاگرانه خود از طرفی از پشتیبانی وسیع مبارزان پنهانکار برخوردارند و بنوبه خود عرصه فعالیت مبارزان پنهانکار را گسترش میدهند و از طرف دیگر مورد پشتیبانی نیروهای مرفی سراسر جهانند (اخراج چاقوکشان شاه از ایتالیا - مقاله "شرح یک مبارزه" شرح یک پیروزی" در این شماره - بیان زنده این واقعیت است).

به نظر دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران چنین است شکل عملی و انقلابی رعایت اکید اصول پنهانکاری و تلفیق کار مخفی و علنی در پیکار علیه رژیم ضد ملی و ضد دیکتاتور شاه در خارج از کشور. سازمان ما خود ساخت موظف میدانند که مبارزان جوان تروکم تجربه را که هر روز با شوخی

بیشتر به صفوف پیکار ضد رژیم شاه می پیوندند. در مقابل بی احتیاطی و لغزش در پنهانکاری حفاظت کند.

سازمان ما بعنوان يك سازمان سیاسی مترقی و دمکراتیک جوانان و دانشجویان رعایت اصول فوق را به دیگر سازمان های سیاسی و توده ای و نیروهای صادق ضد-امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در جنبش دانشجویی پیشنهاد میکند.

هر سازمان دیگر که برآستی و درستی برای سرنگونی رژیم استبداد و ضد خلقی شاه بکوشد، از علاقه و کمک ما برخوردار است و بهمین دلیل هم سازمان ما معتقد است که مبارزه پر ضد رژیم شاه انحصاری نیست!

نیروهای صادق ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در جنبش جوانان و دانشجویان بنا هرگونه اختلاف مراهی هم که باشد - برای سرنگونی رژیم شاه میکوشند و این خود محک صداقت آنها است. این وحدت هدف لاجرم به وحدت عمل منجر میشود.

در جریان کوشش و پیکار به سوی این هدف مشترک - سرنگونی رژیم شاه - طبیعتاً آن گروهی بحامل تعیین کننده در جنبش جوانان و دانشجویان تبدیل خواهد شد که بنا بر جهان بینی خود بهترین شیوه های پیکار را برگزیند. این قانونمند است. سرپیچی از این قانونمندی کار را به دسیسه کاری، نفاق افکنی و ارتداد میکشاند و موجب تضعیف جنبش خواهد شد.

باز تاکید میکنیم که از نظر ما پیکار انقلابی يك امر انحصاری نیست.

همانطور که شیوه های پیکار انقلابی راه و طبعاً ثمربخش ترین و مناسب ترین آنها را نمیتوان به انحصار يك سازمان و یا گروه در آورد، بطریق اولی هیچ گروه بندی انقلابی نمیتواند ادعا کند که جز من هیچکس مبارز نیست و بدون من اصلاً مبارزه ای نیست.

آن پیکار جوی صادقی که چنین کند، به دام نفاق افکنان افتاده و به هدف آنها در جلوگیری از مبارزات ضد رژیمی خدمت کرده است. و در نتیجه حقانیت آن پیکار جوویا چنین سازمانی در طول زمان حتی نزد هواداران آن در مقابل علامت سوال قرار میگیرد.

ما نسبت به رفتار گروه بندی ها و افراد پیکار رجوی دیگر - در صورتیکه فقط دچار اشتباه شوند - بردباری و دوستی نشان خواهیم داد. ما ایشان بحث و بازم بحث خواهیم کرد. ولی با نفاق افکنان بدتهاست بریده ایم و با شریکان دزد و رفیقان قافله زود خواهیم پرید.

ما یقین داریم که تمام نیروهائی که در مبارزه ضد رژیم صادق هستند، ولی هنوز بحملی در جهت اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری تلاش میکنند، در طی زمان به لزوم این اتحاد و مبارزه جدی و استوار علیه نفاق افکنان و اخلاطگران پی خواهند برد و با تشدید مبارزه متحد علیه رژیم سیاه شاه دین خود را در مقابل جنبش خلق و

شهپیدان راه آن ادا خواهند کرد .

پیروزباد نبرد قهرمانانه خلق های میهن ما برای سرنگونی رژیم ضد ملی و
 ضد دمکراتیک شاه !
 زنده باد پیکار خستگی ناپذیر ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری جوانان و دانشجو
 یان دمکرات ایران !
 برقرار باد اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری !

دبیرخانه خارجی
 سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

همراه من

وقتی گلوله ها زره دور می رسند ،
 تا همچو يك پرستوی آواره
 در گرمگاه سینه ما آشیان کنند
 خون من و تو هردو می آمیزند ،
 چون شاخه های وحشی گل سنگ ها بهم

قلب من و ترا
 روزی که هردو می تهند اندر کنار هم ،
 در راه عشق مردم و آزادی ،
 با ضربه گلوله زهم پاره میکنند .

باشنو بگوش نغمه امید و درد من
 همراه راز زندگی و عشق ، گوش کن
 تک ضربه های قلب مرا :

با سنگ د و ستیت
 سرد است گرچه راه پر از رنج و درد ما
 دست مرا بگیر !
 طلسمیست بی شکست ،

زیرا که فتح در گره دستهای ماست !

گسترده و پیروز باد مبارزات دانشجویان دانشگاههای ایران

دانشجویان همواره در صف مقدم جنبش ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلق‌ها میهن ما مبارزه کرده‌اند. رژیم فاشیستی محمد رضا شاه نتوانسته است و علی‌رغم انواع حیل و استفاده از کلیه وسایل از اعدام و زندان و شکنجه و تبعید گرفته تا تطمیع، جنبش دانشجویی را سرکوب کند و یا بتسلیم وا دارد.

برخلاف میل و علی‌رغم رژیم شاه دانشجویان مبارز موفق شده‌اند مبارزات عادلانه خود را گسترش دادند و بیش از پیش اقبال بیشتری از مردم را به حمایت از خواسته‌ها و هدف‌ها خود جلب کنند.

در شماره سوم آرمان مبارزات دانشجویان دانشگاههای تهران، آریامهر و قم انعکاس یافته، اینک نمونه‌های برجسته دیگری از مبارزه دانشجویان در ایران با اطلاع خوانندگان میرسد:

قریب سه ماه است که دانشگاه جنیدی شاهپور اهواز تعطیل است. دانشجویان مبارز این شهر خواستار آزادی دکتر معین که حاضر نشده بود در مقابل نظام دیکتاتوری سرتعظیم فرود آورد و زندانی شده بود بودند. از آنجا که رژیم به خواسته‌های آنان وقوف نگذاشت، دانشجویان مبارزه خود را تشدید کرده به اعتصاب غذا دست زدند و حاضر به حضور در کلاس درس نشدند. دانشجویان مبارز در جلوی دانشگاه دست به تظاهرات زدند تا خواسته‌های خود را بگوش مقامات صلاحیت‌دار نشان بدهند. در این وقت دانشجویان با شعار "مرگ پسر شاه خائن" بطرف خیابان اصلی شهر حرکت درآمدند.

در خیابان‌ها شعارهای "رفقای ما، استادان ما را آزاد کنید" و "دست‌های عمل ساواک از دانشگاه کوتاه" و "هموطنان زندانی را آزاد کنید" طنین انداخت که مورد توجه مردم شهر قرار گرفت. عمل ساواک و پلیس دوباره به دانشجویان تاختند و عده زیادی را تا حد مرگ مصدوم و تعداد بیشماری را نیز به زندان‌های ساواک اعزام داشتند.

در دانشگاه تبریز نیز در صحن دانشگاه در اواخر خرداد ماهین دانشجویان پلیس‌شاه زد و خورد در گرفت. دانشجویان با تظاهرات گسترده ای به حضور پلیس در دانشگاه اعتراض کردند و شعار ضد دیکتاتوری میدادند. شدت مبارزات دانشجویان باندازه ای بود که پلیس برای

فعالیت‌های افساگرانه

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در خارج از کشور

بمجرد وقوف از قتل دو جوان میهن پرست حسین صلاحی و خسرو ترگل توسط ساواک جوانان و دانشجویان دمکرات به انتشار اعلامیه‌هایی به زبانهای محلی و فارسی پرداختند و در آنها عمل جدید تروریستی رژیم شاه را که بخاطر جلوگیری از جنبش صلح یابنده خلق‌های ایران انجام گرفته است به شدت محکوم کردند.

وین — جوانان و دانشجویان دمکرات در این شهر بتعداد زیادی اعلامیه‌ها پخش کردند که در روزنامه‌های مترقی آن کشور انعکاس یافت و بدین وسیله مردم آتریخی از این جنایت جدید رژیم باخبر شدند.

تسریس — در تبریز نیز جوانان و دانشجویان دمکرات ایران اعلامیه‌ای بزبان آلمانی انتشار دادند و در دانشگاه و دانشسرای شهر پخش کردند.

در این اعلامیه از جمله چنین میخوانیم: "خلق‌های ایران یکی از نخستین خلق‌های در آسیا میباشند که علیه استبداد بپاخواستند. مردم ایران استبداد را هیچگاه تحمل نکرده‌اند و رژیم استبداد شاه را نیز به زواله دان تاریخ خواهند افکند."

کلن — جوانان و دانشجویان دمکرات ایرانی در این شهر نیز اعلامیه‌ای به زبان فارسی انتشار دادند که در آن از جمله چنین آمده: "خبر اعدام خسرو ترگل و حسین صلاحی بار دیگر نشان میدهد که چه خطر بزرگی جان همه زندانیان سیاسی ایران را تهدید میکند. رژیم در کار است که با کشتار گروهی زندانیان سیاه جاهای پر شده زندانها را برای دیگران خالی کند و در واقع از خلق انتقام بگیرد. چهار سال قبل نیز از خانواده‌های صلاحی و ترگل ۳ جوان دیگر بوسیله جلادان شاه بخون کشیده شدند. اینک بدنیال خانواده‌های رضایی، سپهری، مفتاحی، احمدزاده و ... خانواده‌های ترگل و صلاحی نیز به فهرست خانواده‌هایی که هر کدام چند نفر از فرزندان خود را در راه آزادی و استقلال ایران از دست داده‌اند اضافه شدند." اعلامیه با این جملات پایان میابد:

"درود به خاطر ه پاک شهیدان خلق، ننگ بر رژیم ضد انسانی و خونخوار شاه، پیروز باد اتحاد نیروهای مترقی ایران برای دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران."

برلن غربی — جوانان و دانشجویان دمکرات در برلن غربی توانستند در روز ۴ ژوئیه نمایشگاه عکسی را از وضع مردم ایران، زندانیان سیاسی و شهیدای خلق

بمعرض تماشا بگذارند، که مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت. باز دید کنندگان
 نایبشاه بکمک اعلامیه هائی که پخش شد باز هم بیشتر با چهره واقعی رژیم فاشیستی
 شاه آشنا شدند.
 دانشجویان توانستند با فروش پلاکاتهای انقلابی و دفاعی بیش از هزار مارک کمک
 جمع آوری کنند.

صحنه ای از نمایشگاه عکس



جشن روزنامه " زحمتکشان آلپن A L P A N "

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - بخش ایتالیا در روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئن
 در جشن روزنامه " زحمتکشان آلپن " - جشن محلی حزب کمونیست - که در گرونوبل
 برگزار شد شرکت کردند.

در این جشن بیش از ۶ هزار نفر شرکت کردند، که اکثریتشان را کارگران ایتالیایی
 تشکیل میدادند. جوانان و دانشجویان دمکرات ایرانی بوسعت به پرده دری از
 چهره رژیم شاه و مطلع ساختن افکار عمومی از وضع زندانیان سیاسی و جنایات اخیر

جلاد پارتیزانهای ایتالیا در نزد شاه

مطبوعات ایتالیا خبر دادند که در روز ۶ آوریل امسال Georgio Almirante رهبر فاشیستهای ایتالیا به دعوت دولت ایران برای يك ملاقات رسمی با ایران رفته است. همان نخست وزیر و گویا شاه ملاقات کرده است. همین مطبوعات تکیه کردند که این اولین بار است که چنین شخصی بطور رسمی از طرف يك دولت خارجی دعوت می شود. درست همین چند سال پیش بود که از طرف حزب کمونیست و سوسیالیست ایتالیا اسنادی مربوط به دستور تیرباران عده ای از پارتیزانهای ایتالیا در دوران حکومت فاشیستها با امضا "آلمیرانته چاپ و در معرض افکار عمومی ایتالیا قرار گرفت".

علاقه شاه به این عنصر جنایتکار از نظر ما ایرانیان تعجب آور نیست. مطبوعات ایتالیا خبر این مسافرت را چاپ کرده و در ضمن خبر از کمک مالی شاه به فاشیستهای ایتالیا دادند. خبر این جنایات شاه باعث رسوائی هر چه بیشتر او بین افکار عمومی ایتالیا گشته است. شاه ایران که از اوضاع ایتالیا چندان راضی نیست، طبیعتاً میبایستی هم قماشان خود را تقویت کند. او در این معامله هم فاشیستهای ایتالیا را تقویت می کند و هم به آنها بچشم وسیله ای برای تعقیب دانشجویان مترقی ایرانی مینگرد.

دانشجویان دمکرات و سایر عناصر ضد فاشیست ایرانی در ایتالیا بشدت این اتحاد فاشیستی را محکوم کرده و در انقضاء آن در افکار عمومی ایتالیا میکوشند.



بقیه از ص ۱۱

سعادتمند از ایران "تحت رهبری اعلیحضرت شاهنشاه" وجود دارد ؟

خلق قهرمان عمان برای رهائی خود از سلطه امپریالیسم و ارتجاع بپا خاسته و در جنگ عادلانه با تجاوزکاران انگلیسی و ایرانی است.

خلقهای ایران و عمان میبایستند که چگونه میتوان مدعی دفاع از جنبش آزادبخش عمان بود و از سیاست تجاوزکارانه شاه در خلیج فارس و منطقه پشتیبانی کرد ؟

و همه مبارزان ضد رژیم دیکتاتور شاه از مائوئیستهای ایرانی میبایستند که چگونه میتوان مدعی مبارزه با رژیم شاه بود و از سیاست رهبری مائوئیست پکن در پشتیبانی از رژیم شاه دفاع کرد ؟

نقل قول هائی

خود فضاوت کنید

" هم اکنون مردم ایران تحت رهبری اعلیحضرت شاهنشاه پیگیرانه از حق حاکمیت و استقلال ملی دفاع کرده و برای ساختن یک کشور شکوفان و سعادت مند از ایران کوشش های موثر بخرج داد و بموفقیت های قابل تحسین نائل آمده اند . در امور بین المللی ایران فعالانه همکاری و همبستگی خود را با کشورهای جهان سوم تحکیم و تقویت کرده و جدا مخالف سیاست زورگوشی و توسعه طلبی قدرت های بزرگ است و سهم مفیدی ادا کرده است . "

" اعلیحضرت شاهنشاه فرمودند که امنیت خلیج فارس امری است که بکشورهای خلیج فارس مربوط میشود و همچنین کشور ایران خواستار شده است که این منطقه از نفوذ قدرت های بزرگ دورماند . واز ایجاد منطقه غیراتمی خاورمیانه و منطقه صلح در اقیانوس هند طرفداری میکنند .
ما نسبت به این ها ابراز قدردانی و پشتیبانی میکنیم . "

" کفران سران کشورهای اویک که در الجزیره با موفقیت برگزار شد بار دیگر اراده استوار کشورهای صادر کننده نفت جهان سوم را در تقویت و همبستگی و مبارزه آنها علیه قهر و زور و جرات مبارزه نشان داده است . شاهنشاه ایران در این کفران مهم شرکت فرمودند و سهم قابل تقدیری ادا کردند . "

اظهارات فوق ترشحات مغز یک روزنامه نگار چاپلوس د رباری و ساواک زده نیست ، بلکه نقل قول هائی است از نطق معاون نخست وزیر چین : " لس هیمن نین " که در سر میز شام ضیافتی که هویدا نخست وزیر ایران به افتخار او در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۵۴ ترتیب داده بود ایراد کرده است .

مردم زحمتکش و ستم دیده ایران که سلطه شوم سلطنت فاشیستی محمد رضا شاه و غوغا نکتبهار ناشی از آن هاز قبیل قطب بندی بیش از پیش فقر و ثروت پهریشانی و از همسم گسیختگی وضع اقتصادی و تورم و بیکاری مزمن ، نظامی کردن حیات اقتصادی و اجتماع ، تبدیل اقتصاد کشور به زائده اقتصاد امپریالیسم و بتاراج دادن منابع ثروت ملی و محصول دسترنج زحمتکشان کشور ، فقدان مطلق آزادی بیان و اندیشه و سلطه خونین سازمان جنایتکار ساواک را با پوست و گوشت خود احساس میکنند و رنج میبرند عبا بنگی خشم الود رهبری مائوئیستی پکن را مورد استیضاح قرار داده می پرسند که :
چه وجه مشترکی بین این واقعیت تلخ و اظهارات جناب آقای معاون نخست وزیر چین مبنی بر دفاع پیگیرانه از حق حاکمیت و استقلال ملی و ساختن یک کشور شکوفسان و بقیه در ص ۱۰

روشنفکران

آگاهانند

بسه مسئولیت خود در برابر خلق

بسیست و چند سال فشار، تهدید، شکجه و درگ و بیست و چند سال مقاومت سرسختانه و تسلیم ناپذیر . اینست تاریخچه روابط رژیم کودتا و روشنفکران ایران بایکدیگر .

بیش از بیست سال است که رژیم میکوشد تا با تهدید و تطمیع، عیاشکنجه و مجیزگوئی با تیرباران و پولیاران، با چشمان خونگرفته و غضب آلود و بانگه فریکار و حق بجانب روشنفکران ایران را با خود همراه و همساز کند، ولی از گروه معدودی روشنفکران دغل کاسبکار و آخوین که بگد ریم، اکثریت روشنفکران ایران " عنایات " رژیم را به پیشیزی نگرفته، عطای آنرا به لقایش بخشیده و حاضر نشده اند بدستکاری رژیم تروریست و

سیاهکار " شاهنشاهی " بپردازند و دریغهای ثروت مردم زحمتکش کشور سپهیم گردند. بهمین دلیل رژیم این کوشش را نیز میکند که سالوسانه نعل وارو بزند و مقاومت روشنفکران را " بی تفاوتی " و " مسئولیت نمناسی " آنها جلوه دهد و تاخود بعنوان مصلح

خیر اندیش به نصیحت گوئی آغاز کند و باین وسیله هم پرد، برچهره حیوانی و دستهای آلوده خود بکشد و هم بتواند روشنفکران را در افکار عمومی منفرد و " محکوم " سازد . سلسله جنبانی و رهبری این خدعه نیز طبق معمول بدست خود " شاهنشاه " — آلکان با تخت و تاج و نخوانده ملای " نابغه " است که گرچه حتی زبان مادریش را هم نمیتواند خالی از غلط صحبت کند، ولی دعوی رهبری و راهنمایی روشنفکران ایران را دارد .

بعد از شاهنشاه " نوبت به همسرش " شهبانو فرح " میرسد . ایشان هم هروقت تفریحات و سرگرمیهای معمولی دلشان را زد برای تنوع و رفع بسی حوصلگی سر اندرز داد نشان را باز میکنند و مقادیری حرفهای بی اساس و کلی باقیهای بی ربط تحویل میدهند که البته فوراً هم " زینت بخش " صفحات جراید ساواک زده و مفلوک " نظام شاهنشاهی " میگردد .

اخیراً روزنامه کیهان شرح یکی از برخوردهای " شهبانو " را با ۴۳ نفر از روشنفکران و " اندیشمندان " آنجانبی که ذکرشان رفت، منتشر کرده است .

خلاصه حرفهای فرح اینست که : " بی تفاوتی روشنفکران در برابر مسائل هم از نظر شخصی خودشان و هم از لحاظ انسانی و اجتماعی محکوم است " . بعداً میفرمایند که " باید جلو برویم " چند سطر پافشاریتر باز میفرمایند که باید " برای دنیا نمونه باشیم " یعنی نه تنها جلو برویم بلکه جلو جلو برویم ! مقدمات کار هم از هر جهت فراهم است چون دارای ثروت ملی و ثروت انسانی زیادی هم هستیم .

اما شاه بیت فرمایشات " شهبانو " در اینجا است که میگوید : " در مملکت ما هر

فردی واقعا ارزش خودش را دارد و احترام بفرد در همه حال محفوظ است مخصوصاً احترام فرد در خدمت به اجتماع "

پس از خواندن این هدیانهها از خود پرسیدیم : آیا واقعا روشنفکران ایرانی " بی تفاوت " هستند ؟ آیا فعالیت سیاسی جوانان و روشنفکران در شرایط اختناق و ترور حاکم بر کشور ، در زیر سلطه جهنمی و مرگبار آدمکشان سازمان امنیت نشان " بی تفاوتی " است ؟ آیا جان برکف گرفتن و برای انجام وظائف خلق پا بیدان پیکار علیه این رژیم نهادن نشان نبودن " حس مسئولیت " در بین جوانان و روشنفکران است ؟

همزمان با فرمایشات " شهبانو " نامه ای از ایران دریافت داشتیم ، همراه با چند بریده روزنامه که به نظر خوانندگان گرامی میرسانیم :

در همین ۶-۷ هفته اول سال ۵۴ متجاوز از بیست جوان و دانشجو را بجرم " شورش و طغیان " رسماً گشته اند . تعداد غیر رسمی این کشتار را از کجا می شد دانست جز خبر مفقود شدگان یا نعش های پیدا شده هر شب در روزنامه ها ؟ "

جسد جوانی در کنار رودخانه برقان

پیدا شد

بدست چند جوانی که از سالک بیرون مانده بود راز جنایتی را در کنار رودخانه برقان واقع در ۴۰ کیلومتری کرج فاش کرد.

جسد سوخته تنه جوانی در کوههای دره کشف شد

جسد جوان ۱۸ ساله ای که بدست سوخته است ، صبح امروز در ارتفاعات یکی از کوههای کشف شد.

دانشجو هنگام تیز کردن تفنگ گشته شد

اهواز - احمد صالح دانشجوی سال ششم پزشکی دانشگاه چندپایور در آسپر گفته شد ، گلوله هنگامی که احمد مشغول تیز کردن تفنگ بود از لوله خارج و به مغز بزرگ وی برخورد کرد . جسد توسط دفن صابونی معاینه و اجزاء تهران انتقال یافت .

کیهان ۵۴/۲/۸

آیا این جوانان " شورشی " و دهها دانشجوی دیگر که از آذر ماه گذشته تاکنون بدست ماموران ساواک از پای درآمده اند ، برای رسیدن به حلوای خیراتی دربار است ، هکسه چنین بی پروا هستی خود را بخطر میاندازند ، یا فقط و فقط بخاطر احساس مسئولیت شدیدی است که در برابر خلق ستمکشیده خود میکنند ؟

کین تیزی وحشیانه رژیم نسبت به جوانان و روشنفکران بدلیل " بی تفاوتی " اینها در برابر سرنوشت مردم و مملکت نیست ، بلکه برعکس در دوران حکومت ترور و اختناق " شاهنشاهی " هر کس احساس مسئولیت در برابر خلق بکند و گام در راه اجرای آن بگذارد از نظر رژیم مستحق مرگ است .

چند روز قبل از اینکه فرح این ترهات را سر هم بکند ۹ نفر زندانی سیاسی دست بسته و بی دفاع بدست ماموران ساواک "آزادانه" بقتل رسیدند و حتی اجساد سوراخ سوراخ آنها را هم بدست مادران دلاورشان که چنین فرزندان شایسته و مسئولیت شناسی پرورده بودند انداختند و هنوز خون این شهیدان خشک نشده بفرمان شاه سیاه دو فرزند بیرومند خلق حسین سلاحی و خسرو ترگل اعدام شدند و این است نمونه آزادی فردی در "نظام شاهنشاهی"!

آری در نظر فرح و دیگر خائنین بخلق این جاننازیهای بیدریغ که در راه خلق صورت میگیرد بحساب نمی آید و بهمین دلیل این پرسش مطرح میگردد که منظور فرح از "مسئولیت" چیست؟ "مسئولیت" در برابر که و چه؟

شاید روی سخن فرح با آن روشنفکرانی است که گرچه در صحنه خونین مبارزه نیستند ولی به "نظام شاهنشاهی" هم باور ندارند و در برابر رژیم دیکتاتوری شاه بسجده نیفتاده اند. با آن روشنفکرانی است که نسبت به رژیم "اعلحضرت شاهنشاه آریامهر" بی تفاوت هستند و در برابر آن "مسئولیتی" برای خود احساس نمیکند.

روی سخن فرح با آن روشنفکرانی هم میتواند باشد که گرچه خود را فروخته اند ولی تاوان پس نمی دهند و از زیر کار در میروند. یعنی هم پول رژیم را میخورند و هم به ریش می خندند که البته این دیگر تف سربالائی است. لکن جای گله هم نیست زیرا بجیب زدن و حساب پس اندادن و دست آخر یا وقاحت ادعای طلبکاری هم کردن اصلی است که "شخص شاهنشاه" معمول و اجرا کرده و می کند و بقیه پیروان هم نگاه بدست "خداوندگار" میدوزند و از او تقلید میکنند.

اما آنچه مربوط به اکثریت جوانان و روشنفکران ایرانی و حس و ذقیفه و مسئولیت شناسی آنها میگردد نیازی به اثبات ندارد. صحنه خونین دانشگاهها و کلاسهای آن و زندانهای ساواک اجساد مقتولین گنم گواه صادق مقاومت پیکار آنها است.

رژیم میتواند استخوانهای جوانان و روشنفکران دریند را بشکند ولی هرگز نخواهد توانست اراده مقاومت آنها را درهم بشکند.

روشنفکران ایران با ثبات مردان راستکار و اراده محکم پیکارگران راستین کمر همت به اجرای وظائف خود در برابر خلق بسته اند و همانطور که می بینیم لحظه ای دست از رزم بی امان خود علیه رژیم ننگین محمد رضاشاهی بر نمیدارند. خشم و کین "شاهنشاه" و "شهبانو" نسبت به روشنفکران از همینجاست.

سرنگون باد رژیم محمد رضاشاهی

شرح يك مبارزه ، شرح يك پيروزی

" جاسوسان ساواک گور خود را گم کردند "

" چرا بالمطایران مجبور به ترك و نیز شد "

" رقص شعبان جعفری در فستیوال قطع شد "

" نیروهای خلق فاشیستهای ایرانی را اخراج کرد "

اینها و تعداد بیشماری از این قبیل در بین روزهای ۲۵ و ۲۸ ژوئن ۲۵ مه برابر با ۲ تا تیرماه ۵۴ تیتسر روزنامه های ایتالیا را تشکیل میدادند که در پوشتن کشور سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در ایتالیا که تحت عنوان :
" شرح يك مبارزه ، شرح يك پيروزی "

آورده شده است .

طبق اطلاع این بولتن برای شرکت در فستیوال بین المللی رقص که توسط سازمان جنبه یونسکو و با شرکت گروه های هنری کشور های از تاریخ ۱۵ ژوئن تا ۱۵ سپتامبر ۲۵ در ونیز جریان دارد از دولت ایران نیز برای شرکت در این فستیوال دعوت رسمی بعمل آمد . رژیم شاه گروه رقص ایران را بمرحمتی شعبان جعفری (معروف به بسی مخ) با این نمایش اعزام داشت . قرار بود این گروه در روزهای دوشنبه تا چهارشنبه ۲۵ ژوئن برنامه هائی اجرا کنند .

رسیدن خبر ورود شعبان بی مخ و گروهش به ونیز خشم و نفرت کلیه دانشجویان ایران دو شهر پادوا و ونیز روپرو شد . دانشجویان دمکرات توانستند با کمک کلیه دانشجو یان ایرانی با تماس با سازمانهای سیاسی و فرهنگی مترقی و دمکراتیک به افشا جتا - یات رژیم شاه و باند جعفری پرداخته میشتیبانی و همستگي آنان را با مبارزات مردم ایران جلب کنند .

در اعلامیه ای که در آن نقش سازمان جاسوسی " سیا " و یکی از قهرمانان آن شعبه بی مخ در کودتای خائنانه ۲۸ مرداد یادآوری شده بود ، دانشجویان توانستند افکار عمومی را بنفع مردم دربند ایران جلب کنند . این اعلامیه در محل برگزاری نما - یشگاه عکسی از ترور و اختناق در ایران و جلوی درهای ورودی محل برگزاری فستیوال بطور وسیعی پخش شد و در همین محل تظاهرات باشکوهی برگزارگشت که در آن تعداد زیادی از شخصیت های سیاسی و هنری ایتالیا و از جمله نقاشان معروف ایتالیایی - بازالیا BASALIA ، مهر روزینی PERUSINI ، اولیس EULISSE و فدریچی - FEDE RICI وکیل پارلمان و لوتیچی نونو LUIGI NONO موزیسین و آهنگساز معروف جهان حضور داشتند .

هزاران نفر از مردم و نیز از نمایشگاه عکس دیدن کردند و با خواندن اعلامیه‌ها ی
پخش شده از رفتن به محل نمایش گروه بی مخ ها خود داری کردند و به صفوف تظا
هرکنندگان پیوستند .

این تظاهرات و نمایشگاه عکس با حضور تعداد زیادی از عکاسان و خبرنگاران ، طبعات
ساعت یازده شب پایان یافت . روز بعد خبر تظاهرات اعتراضی در روزنامه وزین
UNITEA همراه با عکسائی از تیرباران میهن پرستان ایرانی و قیافه نحس شعبه

بی مخ شرح و جامعی از جنایات ساواک و آدمکشی های شعبان بی مخ منتشر شد .
بد نبال درج خبر در اونیتا تلگراف های اعتراضی بی شماری مبنی بر ابراز تنفرو انزجار
از طرف سازمانهای سیاسی و فرهنگی مرفی نسبت به رژیم شاه و حضور نمایندگانش در
و نیز همراه با تقاضای قطع نمایش آنها و اخراج فوری آدمکشان شاه از ایتالیا به مقام
برگزار کننده فستیوال فرستاده شد .

شعبان بی مخ و دارودسته اش میپنداشتند که در ایتالیا نیز آنها میتوانند با روش
چاقوکشی و فحاشی و تهدید دانشجویان را از برگزاری يك نمایش عکس سیار در شهر
و نیز بازدارند . حمله نوحه های شعبان بی مخ به دانشجویان موج تنفر شدید جنبه
را علیه دارودسته آدمکشان شاه در بین محافل مرفی ایتالیا بحرکت انداخت که
در روز چهارشنبه بطور وسیعی در روزنامه های ایتالیا منعکس شد . صبح همین روز
هم عده ای از وکلای پارلمان ایتالیا از وزیر نمایشات و توریسم خارج و داخله در
مورد دعوت دارودسته بی مخ ها سوالتی کردند و علت عدم اخراج فوری آنها را پس از
تحریکات شب قبل علیه دانشجویان دمکرات ایرانی مطرح نمودند .
طبق برنامه اعلام شده فستیوال قرار بود همان شب چهارشنبه نمایش شعبان درمیدان
" گسو " تکرار شود . کارگران و تکسین های صحنه اعلام کردند که هنگام ورود او به
صحنه اعتصاب خواهند کرد .

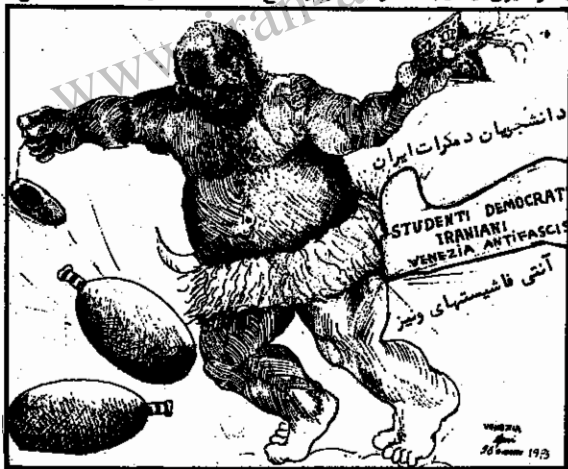
بالاخره " بالرین های " بی مخ برای پیشگیری از رسوائی بیشتر با " میل خودشان "
از اجرای نمایش صرفنظر کردند و يك روز زودتر گورشان را از و نیز گم کردند و ساعت
۱۱ صبح روز چهارشنبه با هواپیما به ایران فرار کردند .

در همان ساعت صحنه ایکه برای شعبان آماده شده بود بكمك کارگران و تکسین ها
در اختیار دانشجویان دمکرات قرارگرفت . نمایندگانی دانشجویان دمکرات در نطقی
چهره فاشیستی رژیم شاه و آدمکشان شیشه های تروریستی ساواک ، نظامیگری خانه
برباد ده و تجاوز مسلحانه رژیم شاه را به ظفار برای شرکت کنندگان توضیح داد ، که با
کف زدن های شدید روبرو شد . سخنگو خطر شدیدی را که جان زندانیان سیاسی را
شدیدا تهدید میکند با ارائه نمونه های کشتار اخیر زندانیان سیاسی برجسته کرد
و از شرکت کنندگان تقاضای دفاع از جان آنها را خواست .

صبح روز بعد يك کنفرانس مطبوعاتی از طرف " کودی " کمیته متحد و بیسرای

د میکراسی در ایران " با شرکت نمایندگان دانشجویان دمکرات ترتیب داده شد . کنفرانس مطبوعاتی با مقدمه مسوطی درباره اوضاع ایران از طرف سخنگوی " کمیته متحد " آغاز شد ، که در آن شدت انزجار مردم ایران نسبت به رژیم منقرض ششماه اشاره شد . و آمد که " رژیم شاه میلیونها دلار درآمد ملی ما را صرف تبلیغات بیبهد و ای برای جلب افکار عمومی جهان می نماید . افشا " وسیع ماهیت فاشیستی رژیم شاه در بین افکار عمومی جهان از ضروریات اپوزیسیون ایران است . کمیته متحد در راه انجام این وظیفه خطیر گام بر میدارد و ایمان دارد که در این راه از پشتیبانی و همردی فعال کلیه نیروهای مترقی و همه آزادیخواهان جهان برخوردار خواهد بود . " سپمن نماینده جوانان و دانشجویان دمکرات ایران اعلام کرد که " دعوت از بانسند آدمکشان بعنوان نماینده فرهنگ و هنر ایران نه فقط توهین به فرهنگ غنی و هنر صهل مردم ایران است بلکه توهینی به روح ضد فاشیستی و دمکرات مردم ونیز و فرهنگ و هنر مترقی ایتالیا است " .

گردانندگان مائوئیست فد راسیون ایتالیا علیرغم تمایل شدید عد های از اعضاء و هواداران کنفدراسیون از شرکت در مبارزات دانشجویان طفره رفتند . اینان که مبارزات ضد رژیم برایشان مطرح نیست از موفقیت مبارزاتی دانشجویان وانفرد خود نزد نیروهای مترقی ایتالیائی بخشم آمده بودند . آنها میخواستند فقط منحصر بانیروهای مترقی ایتالیا برنامه ریزی کنند و با اصطلاح در مبارزات شرکت کنند ، که جواب رد شنیدند و باین ترتیب بار دیگر هبری فد راسیون ایتالیا با شعار " همه چیز یا هیچ " به هدف اصلی خود یعنی هیچ رسیدند .



کاریکاتور
گوریل
چاقوکشی
فراری
شاه
شعبان
بی مخ



Antiimperialistisches Informationsbulletin

Iran - Sonderbroschüre Preis 5,- DM

LAND DER UNTERDRÜCKTEN

از زمین‌های سرشار از گنجینه‌های طبیعی ایران، تنها بخش کوچکی در اختیار مردم ایران است. بخش بزرگی از این منابع طبیعی در اختیار کشورهای خارجی است. این کشورها با بهره‌برداری از سرمایه‌های ایران، به منظور توسعه اقتصادی خود، در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در نتیجه، ایران به یک کشور وابسته تبدیل شده است. این وابستگی به کشورهای خارجی، باعث شده است که ایران نتواند به طور مستقل تصمیم‌گیری کند. این کشورها با استفاده از تکنولوژی و سرمایه خود، در ایران فعالیت می‌کنند و به این ترتیب، اقتصاد ایران را تحت کنترل خود در می‌آورند. این وضعیت، برای ایران بسیار خطرناک است و باید به سرعت تغییر داده شود.



کشور ستمکشان عنوان
نشریه است که از طرف
بنگاه انتشاراتی آنتسی
امپریالیستیسه بولتن
در ماریورگ آلمان
قدرال منتشر شده
است.

در این نشریه در
زمینه "انقلاب سفید"
تسلط سرمایه
امپریالیستی در ایران
وضع زحمتکشان میهن
ما، نقش ایران در
استراتژی امپریالیستی
در منطقه خاور میانه و
نزدیک، رژیم دیکتاتوری،
تاریخ جنبش آزادپیش
ملت ایران، مبارزه
بخاطر ملی کردن
صنعت نفت، اعتلای
جنبش مقاومت خلق و
پا لآخره مناسبات
ایران با کشورهای
سوسیالیستی،

نقش حزب توده ایران و برنامہ آن مورد بررسی قرار گرفته و از نظر دید یک آنتسی
امپریالیست تجزیه و تحلیل شده است.
علاوه بر این بررسی مدارکی از جمله نطق دکتر محمد مصدق علیه امپریالیسم انگلیس
و امریکا در مجلس شورای ملی، در باره وضع زندانیان سیاسی ایران، و گزارش ناظرینی
که در دادگاه‌های نظامی شرکت داشته‌اند و همچنین نقش ساواک و فعالیت‌های
تروریستی آن، آورده شده است.
ناشرین نیز نقش سرمایه مالی - نظامی کشور خود را در پیوند با رژیم اختناق و ترور
شاه مورد بررسی قرار داده و آنرا افشاء مینمایند.

تأثیر خرده بورژوازی

در جنبش دانشجویی

بنظر ما بحث برای روشن شدن نکات مختلف تئوریک و سیاسی و تجزیه و تحلیل تجارب جمع آوری شده در جنبش ضدامپریالیستی و دمکراتیک دانشجویی ضرورت دارد.

در کنفرانس قبل از کنگره اخیر کنگد راسیون و پس از آن در جلسات مختلف سازمانهای محلی وابسته به کنگد راسیون از جمله بحثی در باره "بورژوازی و خرده بورژوازی و نقش و تاثیر آن ها در جنبش دانشجویی خارج از کشور" انجام گرفت که هنوز هم ادامه دارد. در این بحث کوشش میشود، بکمک توضیح خصلت طبقاتی بورژوازی و خرده بورژوازی توجهی برای ارتداد نیکخواه ها بجاسمی ها و لاشائی ها ارائه گردد.

بدون برخورد به محتوی بحث های جریان یافته در جلسات دانشجویی وابسته به کنگد راسیون، ما نیز با درج نظریات خود در این بحث شرکت میکنیم.



این بحث در دورانی صورت میگردد که حکومت پلیسی و ضد ملی شاه از تمام رژیمها می باشد پیشی گرفته، سیاست ضد دمکراتیک و ضد ملی خود را به اوج رسانیده و در عرصه نظامدیری دست همعماش های خود را از پشت بسته است. سرنگون ساختن این رژیم استبداد فردی در دستور روز جنبش ملی و دمکراتیک خلقهای میهن ما قرار گرفته و لذا ایچاد جبهه واحدی از تمام نیروهای صادق ضد رژیم از جمله در جنبش دانشجویی، ضرورت تام پیدا کرده است. بویژه آنکه هر روز بیشتر شرایط عینی دگرگونیها بنیادی، که گام اول آن سرنگونی رژیم کنونی است، چه در مقیاس جهانی — منطقه ای و چه در درون کشور آماده تر میگردد. یگانگی و بهم پیوستگی همه گردانهای پراکنده جنبش آزاد یبخش ملی میهن ما برای این دگرگونی نقش تعیین کننده پیدا میکند.

با تکیه بااستنتاجات فوق باید در باره بحثهای تئوریک و سیاسی از جمله در جنبش دانشجویی خارج از کشور بد و نکته توجه کرد:

۱ — محتوی بحثها — باین معنی که بحثها باید بروشن شدن مسائل مطروحه در برابر جنبش آزاد یبخش ملی و وظائف انقلاب ملی — دمکراتیک کمک کند، به هم آهنگ ساختن اندیشه و عمل گردانهای مختلف این جنبش یاری رساند و با تفرقه اندازان در هر لباس که باشند، مقابله نماید.

۲ — شکل انجام بحثها — باین معنی است که باید انچنان شکلی برای آن یافت که

تلفیق کار علمی و مخفی در آن کاملاً رعایت کرد و در جریان بحث مبارزان ناشناخته از طرف پلیس بازگردد دشمن در امان بماند تا بتوانند پس از اتمام دوران تحصیل و بازگشت بکشور بوظایف میهنی و انقلابی خود عمل کنند. بدیگر سخن، باید ارتقا سطح آگاهی دانشجویان با تلفیق کار مخفی و علمی انجام گیرد.

پیشنهاد ما اینستکه اینگونه بحثها میتوانند :

- ۱- چند نفر بحث کننده در یک مجمع عمومی علمی در مقابل شنوندگان انجام بیاورند بحث را بعهده بگیرند. بحث کنندگان را مبارزین علمی ای تشکیل میدهند که نمیتوانند در شرایط کنونی با ایران بازگردند.
- ۲- اینگونه بحثها را میتوان -البته با تحمل مشکلات بیشتر- بصورت کتبی انجام داد. ما از این روش استفاده کرده در مورد موضوع مورد بحث در سازمانهای دانشجویی وابسته به کفدراسیون برخی نکات را متذکر میشویم.

بورژوازی

در صورت پندی (فراسپون) اجتماعی-اقتصادی سرمایه داری دو طبقه اساسی وجود دارد: پرولتاریا و بورژوازی. بورژوازی هابرتست از طبقه سرمایه داران یعنی آن گروه اجتماعی که مالک وسائل تولید است و از استثمار کار دیگران زندگی می کند. از نظر تاریخی بورژوازی در بطن جامعه فئودالی در جریان تلاشی تولید خرده کالائی بوجود آمد و رشد کرد و در مراحل تراکم اولیه سرمایه و سلب مالکیت از تولید کنندگان کوچک و تبدیل آنان بکارگران مزد بگیر بحدوان طبقه تکوین شد و سپس در طی چندین قسمرن مبارزه توانسته است حاکمیت سیاسی و اقتصادی خود را مستقر سازد.

بورژوازی که در دوران نبرد با فئودالیسم طبقه ای مرفعی بود، با تکامل جامعه سرمایه داری طبقه ای ارتجاعی مبدل میشود. منافع بورژوازی کاملاً متضاد با منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است. تضاد بین بورژوازی و پرولتاریا آشتی ناپذیر است و ریشه مبارزه طبقاتی است که بالاخره به انقلاب سوسیالیستی، انحلال بورژوازی بمثابه طبقه و استقرار مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید میگردد.

تقسیم بندی بورژوازی بر حسب نحوه بکار انداختن سرمایه خود :

- ۱- بورژوازی صنعتی (کارفرمایان) ۲- بورژوازی بازرگانی (تجار بزرگ)
 - ۳- بورژوازی بانکی (بانکداران) ۴- بورژوازی روستائی (کولاکها).
- منبع درآمد همه آنها ارزش اضافی است که از استثمار نیروی کار زحمتکشان حاصل میشود.

تقسیم بندی بورژوازی از نظر قدرت مالی و نفوذ اقتصادی و سیاسی آن :

- ۱- بورژوازی بزرگ ۲- بورژوازی متوسط ۳- بورژوازی کوچک (خرده بورژوازی)
- از نظر کمیت بورژوازی متوسط و کوچک اکثریت دارند، ولی اهرمهای اقتصاد و سیاسی

در دست بورژوازی بزرگ است که اثر چه عده اش کمتر است ولی اکثر منابع تولیدی، مالی و قدرت سیاسی را در دست دارد.

خرده بورژوازی - اصطلاحاً بان تولید کنندگان کوچک کالا مینویند که از ظرفی صاحب برخی وسائل تولید هستند ولی از طرف دیگر اغلب خودشان کار تولیدی انجام میدهند و معمولاً از کار دیدران کم بهره کشی میکنند و یا اصلاً بهره کشی نمیکند. بسیاری از پیشه وران، صاحبان حرفت، دهقانان صاحب زمین، تجار کوچک، کسبه و برخی اقدار متوسط دیگر نیز جزء این گروه اجتماعی هستند.

خرده بورژوازی قشر واسط بین بورژوازی و پرولتاریا است که عده کمی از آن در جریان تکامل سرمایه داری مبدل بسرمایه داران میشوند و قسمت اعظم ایشان بتدریج بکارگر ویا در روستاها، با از دست دادن زمین به کارگر کشاورزی مبدل میشوند. این وضع مبین خصلت دوگانه این قشر است، زیرا که او چون از تکامل سرمایه داران و رقاببت آنان متضرر میشود، دچار ورشکستگی و خانه خرابی است و از آنجا که خود نیز زحمت میکشد، لذا بسوی پرولتاریا تمایل دارد و متحد وی در مبارزه علیه بورژوازی است. از جانب دیگر چون خود دارای وسائل تولید است بسوی بورژوازی تمایل دارد. این وضع موجب میشود که در مبارزه طبقاتی وضع پیگیر نداشته و قادر باجرا، يك سیاست مستقل طبقاتی نباشد. طبقه کارگر و حزب وی میتواند و باید این متحد بالقوه را بسوی خود جلب نماید.

اقدار مختلف بورژوازی در جوامع مستعمره و وابسته:

۱ - بورژوازی ملی - بورژوازی ملی متکی بر تولید و بازار داخلی است و منافعش با انحصارات امپریالیستی، که در جهت بسط و تحکیم سلطه خود بر بازار بورژوازی ملی فعالیت میکند در تضاد است و بهمین علت آماده است تا مرحله معینی از رشد انقلاب در نهضت ضد امپریالیستی - تا آنجا که منافع ویژه طبقاتی اش صدمه ای نخورد - شرکت جوید.

۲ - بورژوازی کپرادور - یعنی آن قشر فوقانی از بورژوازی در جوامع مستعمره و وابسته که دارای روابط محکم با انحصارات امپریالیستی است و سرمایه اش با سرمایه های امپریالیستی در آمیخته و منافعش حفظ و تحکیم سیادت سرمایه های انحصاری بیگانه را ایجاب می کند. بازرگانان بزرگ وارد کننده، صاحبان کارخانه های مونتاژ که شعبه صنایع امپریالیستی هستند مانند کاخانات مونتاژ ایران ناسیونال، بانکداران که سرمایه آنها در اختلاط با سرمایه مالی امپریالیستی است، از این زمره هستند.

۳ - سرمایه داران بورکرات - بخش مهمی از دراندگان رژیم، از اعضا خاندان سلطنت گرفته تا برخی از کارمندان عالیرتبه کشوری و لشگری نیز در عرصه های مختلف صنعتی بازرگانی، مالی، ساختمانی و کشاورزی سرمایه گذاری میکنند. میزان قابل توجهی

از سرمایه گذاری خصوصی پایین دست از سرمایه داران تعلق دارد. این قشر از سرمایه داران داخلی بمناسبت مقامی که در دستگاه دولتی احراز نموده و قدرت اعمال نفوذی که (که دائماً رو با افزایش است) در سایه حکومت استبدادی بدست آورده است، قشر سرمایه دار بورکرات نام دارد.

تاثیر بورژوازی و خرده بورژوازی ایران بر روی جنبش دمکراتیک وضد امپریالیستی دانشجویی ایران در خارج از کشور

تحلیل ساخت طبقاتی دانشجویان شرکت کننده در نهضت دانشجویی خارج از کشور این نتیجه را بدست میدهد که بخش عمده این دانشجویان از طبقات و اقشار متوسط (بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی) نشأت میگیرند. بدین سان این طبقات و اقشار طرز تفکر سیاسی، روحیه و شیوه فعالیت و عمل خود را از طریق این دانشجویان بسط نهضت دانشجویی منتقل میسازند. از سوی دیگر باید توجه داشت که جنبش دانشجویی مستقل از دیگر عوامل موجود در جامعه نمیتواند وجود داشته باشد. به عبارت دیگر طبقه کارگر بوسیله سازمان سیاسی خود میکوشد جنبش دانشجویی را در جهت منافع طبقاتی خود که در عین حال عالی ترین بیان کننده منافع مجموعه خلق میباشد سوق دهد. از طرف دیگر امپریالیسم و ارتجاع میکوشند جنبش دانشجویی را تحت تاثیر ایدئولوژی و مشی سیاسی خود قرار دهند، یعنی آنکه خصلت دمکراتیک وضد امپریالیستی این جنبش را ربوده و آنرا به ابزار سیاست ضد کمونیستی و ارتجاعی خود تبدیل نمایند. پس از جنگ جهانی دوم تحت تاثیر اوج مبارزات ضد امپریالیستی و قدرت و نفوذ حزب طبقه کارگر ایران جنبش دانشجویی در ایران رشد بی سابقه ای یافت، در جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران سهم مهمی داشت و با جنبش طبقه کارگر پیوند نزدیک پیدا کرد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با وجود پورش حکومت ترور و اختناق جنبش دانشجویی توانست چه در داخل و چه در خارج از کشور مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک را ادامه دهد. بدی است که جنبش دانشجویی در خارج از کشور توانست در این زمان، بحالت آزادیهایی نسبی خارج از کشور اعتلا، پیشتری کسب کند. در سالهای ۴۰ بحالت تشدید پورش سرمایه انحصاری به بورژوازی متوسط و کوچک، در داخل ایران، تشدید ترور و اختناق و ضعف جنبش انقلابی، پیش آهنگ، قشرهایی از خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط به بیماری چپ روی دچار شدند و با پذیرش مائوئیسم که در حقیقت چیزی جز تظاهر ناسیونالیسم و انقلابیگری کاذب خرده بورژوازی نبود، خواستند جنبش دانشجویی خارج از کشور (و تا حدودی درون کشور) را به یک روش ضد کمونیستی مطلق سوق دهند.

پس از خود فروشی نمایندگان این طرز تفکر عمیقاً ضد خلقی و مانند نیدخواه لاشا سی

فولادی و جاسمی و غیره و غیره و همکاری مائوئیستهای پکن با مترتجیح ترین محافل امپریالیستی و ارتجاعی ترین رژیمها (از جمله رژیم شاه) و همکاری عملی ناشرین این طرز تفکر ارتجاعی در خارج از کشور (مانند گروه توفان و سازمان انقلابی) با رژیم شاه و سازمان امنیت گردانهای اصیل جنبش ضد امپریالیستی چه داخل و چه خارج از کشور، نیروهای خود را هر چه بیشتر برای سرنگونی این رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک فشرده میکنند.

این نبرد هر چه بیشتر اعتلاء باید اخلاص کران در امر وحدت گردانهای ضد رژیم و در راس آنها مائوئیستهارا بیشتر متفرد خواهد ساخت.
 بدیهی است که جنبش دانشجویی، نیز با بیک اعتلاء جنبش انقلابی ایران صفوف خود را از عناصر ناسالم و مضر بحال جنبش دانشجویی پاک کرده و سهم شایسته خود را در پیشبرد امر خلق ایفاء خواهد کرد.

■ عذر رسد تر از گناه رهبری پکن

رفتار دوستانه و صمیمانه رهبری پکن در مقابل رژیم فاشیستی خونتای شیلی، باعث موجی از سوال و اعتراض در افکار عمومی نیروهای مترقی جهان شد و رهبری پکن را مجبور به موضعگیری در این مورد نمود.

سفیر مائوئسمه دون "هسو" در دربار پینوشه در سانتیاگو مواضع دولت خویش را درباره روابط برادرانه با خونتای فاشیستی شیلی طی ۴ نکته زیر در معرض افکار عمومی قرار داد:

۱ - چین توده ای با مردم شیلی روابط دارد. از اینرو سفارتخانه را بعد از کودتا نیسته است.

۲ - شیلی همانند چین یک کشور در حال رشد است و به همبستگی با چین نیازمند است.

۳ - چین میخواهد مس مورد نیاز خود را از شیلی بر طرف کند ولی نه از پرو و کشوری که تحت نفوذ "سوسیال امپریالیسم شوروی" قرار گرفته از سامبیا که تحت نفوذ امریکا و نه از زائره که از طرف امپریالیسم بلژیک تحمق میشود.

۴ - رژیم نظامی خونتای کونی در شیلی نتیجه شکست اعمال "امپریالیستی" شوروی است و نه نتیجه خیانت ارتش که "وظیفه ملی" خویش را ادا کرد.

نقل از: روت پرس، ارگان اتحادیه دانشجویان
 سوسیالیست اطریش، شماره ۳
 سال ۱۹۷۵، صفحه ۴

بقیه از صفحه ۷

مقابله بانان مجبور به خیراندازی شد. در این برخورد چند تن از دانشجویان کشته شدند. شدند عده زیادی مجروح و یا دستگیر شدند. پس از این حادثه دانشگاه تبریز تعطیل

” در سال گذشته از شجاعان و جانباز نیروهای مسلح ۱۹ نفر ۷۶ درجه دار
و ۵۶ سرباز در راه میهن شریعت شهادت نوشیدند ”



ارتشبد قلامرضا ازهارى و شيس ستاد بزرگ ارتشدا ايران

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

شماره بانکی

G. Sobich

Kreissparkasse Recklinghausen

Fil. Dorsten-Holsterhausen

Girokonto 1658974

Gustav Sobich

427 Dorsten

Friedenau 3

West-Germany

4

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0,50 DM or its equivalent in all other Countries